



«احمد سوویی»، تنها ۱۳سال دارد اما به دلایل مختلف دوران کودکی‌اش، سه‌سال پیش پایان یافت. او در حلب زندگی می‌کند؛ بزرگ‌ترین شهر سوریه. در سال ۲۰۱۲ جنگ در حلب بین نیروهای دولتی و گروه‌های مختلف شورشی آغاز شد. در همین دوران بود که احمد نتوانست تمام مدت به مدرسه برود و درعوض در کنار برادرش برای حمایت از خانواده‌اش در رستورانی مشغول به کار شد. وقتی که پدرش «توفی» در حمله هوایی کشته شد، دیگر کسی نبود که مخارج زندگی و تحصیل او را فراهم کند.

اکنون احمد نییمی از روز ر در درس می‌خواند و باقی روز را در رستوران کار می‌کند. این دقیقاً زندگی میان کودکی و بزرگ‌سالی است؛پذیرش مسئولیت یک بزرگ‌سال و داشتن لذت‌های ساده مانند تماشای تلویزیون و خوردن شکلات؛ اینها تمامی دوران بچگی احمد است. او درحالی‌که در میانه شهر حلب ایستاده است، می‌گوید: «من همیشه درس‌خواندن و آموزش را دوست داشتم». او خواهان یادگیری است تا شاید در آینده بتواند از دانشش بهترین بهره را ببرد. احمد ادامه داد: «می‌خواهم مهندس شوم و شهرم را دوباره بسازم و زندگی را به شهری که دوستش دارم، بازگردانم». احمد درحالی‌که از پنجره بالای تختش در حال تماشای بازی کودکان است، می‌گوید، تک تیراندازها معمولاً از پنجره‌ها تیراندازی می‌کنند و کسی نمی‌داند چرا دست از این کار برنمی‌دارند.

گفت‌وگو با احمد:



چه چیزی را از همه بیشتر دوست داری؟

کتاب‌هایم را. اما زمانی برای مطالعه آنها ندارم. همچنین به غیر از کتاب‌های درسی، کتاب‌های زیادی برای خواندن وجود ندارد.

به‌ترین خاطرات چیست؟

آخرین جشن تولدم؛ پدر و مادرم با هم در آن حضور داشتند؛ قبل از مرگ پدرم. آنها برای من میهمانی کوچکی با شیرینی و کادو گرفته بودند. این

آخرین باری بود که مادر و پدرم کنار یکدیگر بودند.

کدام بدترین؟

مرگ پدرم. من و مادرم به خانه خال‌ام رفته بودیم که بمبی به خانه ما اصابت کرد. صدای مهیب انفجار را شنیدیم. برای کمک به پدرم به طرف خانه دویدیم. او در بمباران کشته شد و من دیگر نتوانستم او را در آغوش بکشم، حتی نتوانستم جنازه‌اش را پیدا و آن را دفن کنیم.

حضور در کجا برایت از همه لذت‌بخش‌تر است؟

مدرسه بهترین مکان برای من است. مدرسه تنها جایی است که در آن احساس خوبی دارم و چیزهای جدیدی یاد می‌گیرم. زمانی که مدرسه‌ام به‌خاطر بمباران بسته شد، سخت‌ترین روز زندگی‌ام بود. اما اکنون مدرسه‌ها دوباره باز شده‌اند و من بسیار خوشحالم.

کارتون و شخصیت موردعلاقه‌ات کدام است؟

من واقعا از دیدن کاراکاه «کونان» لذت می‌برم. او به من یاد داد که برای حل سخت‌ترین مسائل خسته نشوم و تمامی مسیرها را امتحان کنم. ماجراجویی‌های او را دوست دارم؛ زمانی که به‌دنبال مجرمان می‌رود و در نهایت آنان را دستگیر می‌کند.

از چه چیزی بیشتر از همه می‌ترسی؟

هواپیماها؛ آنها ممکن است من و خانواده‌ام را بکشند؛ مرا تنها بگذارند یا پاهایم را از دست بدهم.

اگر توانایی تغییر جهان را داشتی، چه می‌کردی؟

اگر چنین توانایی‌ای داشتم؛ استفاده از تسلیحات جنگی که همه‌چیز را ویران می‌کنند و انسان‌ها را می‌کشند را ممنوع می‌کردم؛ تا شاید مردم در صلح زندگی کنند.

● «یوسف فتحي»، ۱۱ساله هم در شهر حلب زندگی می‌کند. او یکی از دوستان احمد است و بیشتر زمانش را در خانه سپری می‌کند. خانواده یوسف به او اجازه نمی‌دهند به مدرسه برود و تنها می‌تواند در محله‌شان اعتقاد قراردادهای نظامی به ارزش ۶۶۶ میلیون دلار به دیگر کودکان، آن هم به‌ندرت بازی کند. خانواده یوسف می‌ترسند که بمب‌ها، برادر کوچکشان را از آنها بگیرد. یوسف هم از بمب‌ها و هواپیماهایی که بالای سر او پرواز می‌کنند، وحشت دارد.

پدر یوسف نگران امنیت فرزندش است. سال گذشته بمبی به مدرسه یوسف اصابت کرد و تعدادی از دوستان و معلم یوسف کشته شدند. اکنون او به‌جای رفتن به مدرسه، در کارهای خانه به مادرش کمک و تلویزیون نگاه می‌کند و گهگاهی هم با برادر کوچکش هم‌بازی می‌شود. یوسف تنها اجازه دارد که با پدرش به بیرون برود. مانند احمد، او نیز عاشق درس‌خواندن است و به کارتون‌های ژاپنی

اسرائیل دوست جدید ترکیه می‌شود؟

می‌رسد. علامتی که می تواند نشان‌دهنده نگرانی ترکیه از آینده موقعیت استراتژیکی خود در منطقه باشد؛ البته هم آنکارا و هم تل‌آویو در گذشته هم مناسبات مثبت چشمگیری را تجربه کرده‌اند. با وجود همه انتقاداتی که ترکیه به سیاست‌های اسرائیل دارد، بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ مانورهای «پری دریایی» و «عقاب آناتولی»، انعقاد قراردادهای نظامی به ارزش ۶۶۶ میلیون دلار و انتقال سالانه ۵۰ میلیون مترمکعب آب از ترکیه به اسرائیل نشان‌دهنده انعطاف آنها در عین تعارضات ایدئولوژیک است. اما این انعطاف در شرایط کنونی با وجود اتفاقاتی که در اجلاس داووس و کشتنی مرمره افتاد، نشان‌دهنده اراده جدی ترکیه در نزدیکی به اسرائیل است. این احتمال با توجه به تغییر موقعیت ترکیه در منطقه امر عجیبی به نظر نمی‌رسد.

از طرفی ترکیه با دولت نظامی و سنت‌گرایی مانند روسیه دچار مناقشه جدی شده و از سوی دیگر شائبه حمایت از مخوف‌ترین گروهک تروریستی کنونی در جهان نیز حیثیت بین‌المللی آن را تهدید می‌کند. حیثیتی که رژیم کنونی سال‌ها برای کسب آن زحمت کشید؛ چون اردوغان به‌خوبی می‌داند بازکردن یک حساب مطلق و مطمئن روی ناتو، حرکت عاقلانه‌ای نیست و غرب تا جایی حمایت خود را از آنکارا ادامه می‌دهد که تضاد منافعی در این میان صورت نگیرد.

پس چاره‌ای نیست که ترکیه برای تضمین آینده و تحقق قواعد ایده‌آل و پذیرفته شده خود، دست به یارگیری جدید بزند. یکی از مهم‌ترین این قواعد دگترینی بود که به «داووداوغلو»، نخست‌وزیر ترکیه تعلق داشت و پس از به‌روی‌کارآمدن حزب عدالت و توسعه مطرح شد. دگترین «عمق استراتژیک» که ناشی از عمق تاریخی و جغرافیایی به‌طور هم‌زمان است، الگوی تعامل فعال با تمام همسایگان و کشورهای

جهان



زندگی در سایه جنگ در «حلب»

کودکانی که مَرَد شدند

جنگ در شهرهای سوریه کودکی را از فرزندان سوری‌ها گرفت؛ آنان کودکی نکرده، به‌یک‌باره بزرگ شدند

آدام لوسته . ترجمه: نفیسه کریمی

علاقه دارد. برخی اوقات او در خیابان با احمد و دیگر دوستانش بازی می‌کند اما این نیز بسیار محدود است. یوسف نیز از پنجره اتاقش دوستانش را می‌بیند که به مدرسه می‌روند و آرزو می‌کند، روزی با آنان هم‌مسیر شود.

گفت‌وگو با یوسف:



ک بزرگ‌ترین آرزویت چیست؟

دوست دارم لباس جدید داشته باشم. آن‌هم در اعیاد. از عید چهارسال پیش تاکنون لباس جدیدی نخریده‌ام.

از خاطرات بگو؟

بهترین خاطره‌ام به زمانی برمی‌گردد که همراه با خانواده پرجمعیت‌م عید را جشن گرفته بودیم. اما زمانی را که هواپیماها خانه ما را بمباران کردند و زیر آوار مدفون شدیم. هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم. زخمی شدیم اما نجاتمان دادند.

محل موردعلاقه‌ات کجاست؟

پارک و محلی که الان در آن زندگی می‌کنم.

کدام شخصیت کارتونی را بیشتر از همه دوست داری؟

«کوکو»، از خیلی دوست دارم. او مردی قوی است و به‌خاطر خدا با افراد شیطانی می‌جنگد و آنان را می‌کشد.

می‌ترسی؟

تنها چیزی که بیشتر از همه مرا می‌ترساند، این است که هر لحظه ممکن است کشته شوم؛ به‌ویژه زمانی که هواپیماها می‌آیند و آثر خطر کشیده می‌شود. اگر فقط بتوانی یک چیز را در جهان تغییر دهی، آن چیست؟ جنگ را و در صلح زندگی می‌کنم بدون بمب، درگیری و صدای هواپیماها. آن زمان بدون ترس از هواپیماها، موشک‌ها یا هر چیز دیگری که ممکن است مرا بکشد، به مدرسه می‌روم.

منبع: الجزیره

دریچه

سارا؛ عشق و مرگ در پایتخت «داعش»

چند ماه قبل از مرگ، توسط اعضای گروه تروریستی «داعش» محاکمه شد. سارا که با همسر و سه فرزندش در «رقه»، پایتخت خودخوانده داعش، زندگی می‌کرد، درخواست «ابوالمنشی العراقي»، یکی از اعضای داعش، را نپذیرفت؛ تصمیمی که پیامدهایی پی‌درپی برای او داشت و در نهایت به مرگش منتهی شد.

«سمر»، همسر سارا که به‌خاطر جان خانواده‌اش که همچنان در رقه زندگی می‌کنند، از گفتن نام خانوادگی‌اش در هراس است، می‌گوید: «در ابتدا العراقي از سارا خواست با او ازدواج کند، چراکه فکر می‌کرد او مجرد است».

پس از آنکه ارتش عراق در آن اوایل به پیشرفت‌هایی دست یافت، سارا از العراقي به مقامات محلی شکایت کرد و پرونده‌ای علیه او گشود، اما از آن به‌بعد همه‌چیز برای خانواده سمر بدتر شد. همسر سارا ادامه می‌دهد: «آزارها بیشتر شدند؛ عراقی پسرمر را به‌خاطر سیارکشیدن شلاق زد و دانما به او ناسزا می‌گفت».

پس از آنکه گروه داعش مناطق بیشتری را تصرف کرد، هرکسی که سیکاری می‌کشید یا اقدامی علیه باورهای این گروه انجام می‌داد به‌شدت تنبیه می‌شد.

سمر در ادامه می‌گوید با آنکه همسایگان ما این مسئله را انکار می‌کردند، عراقی چندین‌بار به بهانه وجود اجناس قاچاق سعی کرد با زور وارد خانه ما شود.

سارا که در ۲۸سالگی مُرد، از سمر خواسته بود تا با یکی از مقامات ارشد در رقه دیدار کند. او در نهایت با یک قاضی محلی ملاقات کرد و عراقی به‌خاطر بی‌احتیاطی تنها جریمه ناچیزی شد. سمر می‌گوید: «اما ادیت‌ها ادامه داشت» و پس از شدت‌گرفتن بمباران‌ها در تابستان ۲۰۱۴ میلادی خانواده او تصمیم گرفتند شهر را ترک کنند. اما در ۱۴ سپتامبر، زمانی که سمر از فروشگاهش به خانه برگشت، متوجه شد که همسرش رفته است، همسایگان و کودکانش با گریه به سمر که همچنان تاکید می‌کند تمامی این اتهامات بی‌اساس بودند، گفتند سارا درحالی‌که مشغول نظافت خانه‌اش بود به اتهام «وفاقت» توسط داعش دستگیر شده است.

سمر ادامه می‌دهد: «پس از این اتفاق فرزندانم را به حلب فرستادم و خودم برای یکپیری شرایط همسرم در رقه ماندم. اما بعدها از طریق یکی دیگر از جنگجویان داعش فهمید همسرم در چهارم ماه نوامبر در زندان مُرده است. او که لباسی بر تن نداشت، به‌شدت توسط یکی از داعشی‌ها در زندان شکنجه شده و شلاق خورده بود. آن داعشی به من گفت که سارا پس از چندروز، بر اثر حمله قلبی مُرد». پس از مرگ سارا، داعش پیکر او را به خانواده‌اش تحویل داد تا در رقه به خاک سپرده شود. سمر هرروز به یاد همسرش سیری می‌کند. او به یاد می‌آورد که همسرش شجاع، سختکوش و هنگام عبابنیت او، بسیار صبور بود. سمر می‌گوید: «سارا شجاع‌ترین فرد زندگی من بود و هیچ خاطره تلخی از او ندارم». سمر می‌گوید: «سارا به‌شدت به‌خاطر تلخی از او ندارم». سمر می‌گوید: «سارا به‌شدت به‌خاطر تلخی از او ندارم». سمر می‌گوید: «سارا به‌شدت به‌خاطر تلخی از او ندارم». سمر می‌گوید: «سارا به‌شدت به‌خاطر تلخی از او ندارم».

سمر که اکنون در حلب در کنار فرزندانش زندگی می‌کند، ادامه می‌دهد: «سارا همان‌طور که مادر خوبی بود، همسر خوبی نیز برای من بود. فرزندانمان به بهترین شکل بزرگ شده‌اند. حتی اوغلو و همراهان آنها، سال‌هاست با ایفای نقش‌هایی مانند ایجاد یکپارچگی، میانجی‌گری و حلال مشکلات دیگران بودند، نمایش سکولاریسم سیاسی- دینی در سیاست‌گذاری‌های داخلی و اعمال رویکردهای پراگماتیک در حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی، منافع ملی خود را تاحد ممکن دنبال کرده و سیاست خارجی فعالی را اجرا کرده‌اند.

پس‌ک در برهه حساس کنونی، ترکیه اجازه نمی‌دهد این زحمات چندین‌ساله در کوتاه‌مدت بر باد رفته و روسیه، ایران یا سوریه موجب تضعیف این رژیم شوند. حتی به بهای لبخند آشتی جویانه با اسرائیلی که زمانی خشم و فریاد اردوغان بر سر نخست‌وزیرش تیتز رسانه‌های جهانی شد.

نگاه

اهداف عربستان در ایجاد بحران جدید



اردشیر ز اربعی‌قنواتی

تحولات اخیر در منطقه خاورمیانه، بعد از اعدام ۴۷ نفر از جمله شیخ «نمر باقر النمر»، روحانی سرشناس شیعه در عربستان، بحران منطقه‌ای را وارد فاز تازه‌ای از تنش‌های مزم‌ن کرده است. واکنش افکار عمومی بین‌المللی، رهبران جهانی، سازمان‌های حقوق بشری، نهادهای بین‌المللی و رسانه‌های اصلی درباره اعدام‌های خارج از معیارهای قانونی و حقوق‌بشری در عربستان و حملات به اماکن دیپلماتیک این کشور در ایران، در چند روز اخیر به ارائه تحلیل‌های متنوعی منتج شد که هر یک با تمرکز بر یک بخش از موضوع، از دریچه نگاه خود به آن پرداختند؛ اما دراین‌بین، با در کنار هم قراردادن قطعات پازل این تصویر چندوجهی، می‌توان به شمای کلی و تصویر جامعی دست یافت که در چشم‌انداز عمومی آن لایه‌ها و زوایای یک «بازی بزرگ» دیده می‌شود.

بنا به تجارب اثبات‌شده در جریان بحران‌های موجود در منطقه، این واقعیت که در بطن هر بحرانی، بدون شک، هم‌زمان با دو هدف داخلی و خارجی از سوی بازیگران دنبال می‌شود، درباره این بحران نیز صدق می‌کند. به‌همین‌دلیل، رهبران ریاض به‌عنوان کلیدزننده این بحران در چارچوب سیاست‌های داخلی – خارجی خود، از یک استراتژی استفاده کرده‌اند که بیشتر به مهار بحران‌های درونی و تغییر در مناسبات قدرت منطقه‌ای به‌ویژه بعد از اجرایی‌شدن «برجام» در روابط بین ایران و محور واشنگتن – بروکسل معطوف بوده است.

در بعد داخلی، به‌خوبی می‌توان به بحران زوال قدرت در ساختار سیاسی جدید عربستان اشاره کرد که پس از روی‌کارآمدن «ملک سلمان»، پادشاه جدید این کشور، به لحاظ بروز و تشدید اختلافات در درون، «کاست» قدرت در خانواده «آل‌سعود» پدید آمده است. سقوط قیمت نفت در دو سال گذشته که ریاض خود یکی از عوامل اصلی آن برای تحت فشار قراردادن مسکو – تهران به‌عنوان حامیان سوریه بوده است، به دلیل وابستگی مطلق این کشور به درآمد‌های نفتی، هم‌اکنون سخت‌گیران این کشور را گرفته است. چنانچه در روزهای اخیر، بنابر گزارشات رسمی دولت عربستان، با کسری بودجه ۹۸میلیارد دلاری روبه‌رو شده است و به همین دلیل، بسیاری از سوبسیدهای دولتی را حذف کرده و قیمت حامل‌های انرژی را افزایش داده است. از آنجا که جامعه عربستان، یک جامعه بسیار بسته و انعطاف‌ناپذیر بوده و در شرایط بحران ابزار و الترناتیوهای مالوف جهت مهار بحران اقتصادی را نداشته و تاکنون ثبات خود را فقط با تزریق منابع مالی و پولی به جامعه حفظ و موجب کنترل و مدیریت نارضایتی‌ها شده است، در این شرایط به‌سختی تحت فشار قرار گرفته است.

از طرف دیگر، با ماجراجویی‌های حاکمان جدید و به‌ویژه «محمدبن سلمان»، پسر پادشاه، معاون ولیعهد و وزیر دفاع در عرصه سیاست‌های منطقه ازجمله دخالت مخرب در سوریه و



حمله پرهزینه و ناموفق به یمن، هم‌اینک ریاض در یک شرایط بن‌بست سیاسی، اقتصادی و امنیتی قرار گرفته است. تغییر نگاه حامیان کلیدی و سنتی عربستان در جهان غرب نسبت به وضعیت حقوق‌بشری این کشور، به‌تازگی «مصونیت آهنین» این کشور را در ناپیده‌گرفتن استبداد مطلق حاکمان سعودی محدود کرده و هم‌زمان با تأثیر جهان بیرونی و آشنایی جامعه سنتی این کشور با جهان مدرن و حقوق شهروندی ازجمله حقوق زنان، بافت سنتی موجود را در معرض تحولات و مطالبات جدیدی قرار داده است. آنچه در حوادث اخیر این کشور و به‌ویژه اعدام شیخ نمر از اهمیت بیشتری برخوردار است، بدون شک تغییر در مناسبات قدرت در عرصه سیاسی- امنیتی منطقه خاورمیانه خواهد بود. پس از موفقیت سیاست خارجی تهران درباره نهایی‌کردن توافق موسوم به برجام و تمایل شدید واشنگتن –بروکسل، برای عادی‌سازی روابط با این کشور، به نظر می‌رسد که عربستان و متحدان منطقه‌ای آن، خود را در موضع بازنده می‌بینند. از آنجا که در کانون نزاعات خاورمیانه ازجمله در سوریه و عراق، هم‌اکنون غرب به این نتیجه رسیده است که بدون شراکت و همکاری ایران هیچ تحول مثبتی رخ نمی‌دهد و تهران بازیگر اصلی و هژمونیک سیاست «مبارزه با تروریسم» در آینده تلقی می‌شود، سایه رقیب منطقه‌ای به‌شدت برعربستان سنگینی می‌کند. این در شرایطی است که بعد از چهار سال اشتباه و محاسبه غلط جهان غرب درباره تحولات خاورمیانه و شکست‌محط طرح «خاورمیانه نوین»، هم‌اکنون نیکبایرادی در قالب تروریسم جهادی و یکه‌تازی گروه «داعش» به اولویت اول جامعه جهانی تبدیل شده است.

در چارچوب این نگاه تازه، با توجه به اسناد و اطلاعات مستند دولت‌های هم‌پیمان غربی درباره دست‌های پشت پرده حاکمان ریاض در اخلال و بی‌ثبات‌سازی منطقه‌ای که دیگر از حد تحمل آنان نیز فراتر رفته است، یک انزوای سیاسی و اختلاف ژئوپلیتیک بین ریاض و متحدان سنتی آن رقم خورده است. درحالی‌که به‌مرور، فاصله‌ها بین ریاض و متحدان غربی خود بیشتر می‌شود، رقیب سنتی آنان، ایران، روزبه‌روز به غرب نزدیک‌تر شده و سیاست اعدام جهانی تبدیل شده است. در چارچوب این نگاه تازه، با توجه به اسناد و اطلاعات مستند دولت‌های هم‌پیمان غربی درباره دست‌های پشت پرده حاکمان ریاض در اخلال و بی‌ثبات‌سازی منطقه‌ای که دیگر از حد تحمل آنان نیز فراتر رفته است، یک انزوای سیاسی و اختلاف ژئوپلیتیک بین ریاض و متحدان سنتی آن رقم خورده است. درحالی‌که به‌مرور، فاصله‌ها بین ریاض و متحدان غربی خود بیشتر می‌شود، رقیب سنتی آنان، ایران، روزبه‌روز به غرب نزدیک‌تر شده و سیاست اعدام جهانی تبدیل شده است. در چارچوب این نگاه تازه، با توجه به اسناد و اطلاعات مستند دولت‌های هم‌پیمان غربی درباره دست‌های پشت پرده حاکمان ریاض در اخلال و بی‌ثبات‌سازی منطقه‌ای که دیگر از حد تحمل آنان نیز فراتر رفته است، یک انزوای سیاسی و اختلاف ژئوپلیتیک بین ریاض و متحدان سنتی آن رقم خورده است. درحالی‌که به‌مرور، فاصله‌ها بین ریاض و متحدان غربی خود بیشتر می‌شود، رقیب سنتی آنان، ایران، روزبه‌روز به غرب نزدیک‌تر شده و سیاست اعدام جهانی تبدیل شده است.

در چارچوب این نگاه تازه، با توجه به اسناد و اطلاعات مستند دولت‌های هم‌پیمان غربی درباره دست‌های پشت پرده حاکمان ریاض در اخلال و بی‌ثبات‌سازی منطقه‌ای که دیگر از حد تحمل آنان نیز فراتر رفته است، یک انزوای سیاسی و اختلاف ژئوپلیتیک بین ریاض و متحدان سنتی آن رقم خورده است. درحالی‌که به‌مرور، فاصله‌ها بین ریاض و متحدان غربی خود بیشتر می‌شود، رقیب سنتی آنان، ایران، روزبه‌روز به غرب نزدیک‌تر شده و سیاست اعدام جهانی تبدیل شده است.